گزارش کپسولی

کپی‌رایت را از خودمان شروع کنیم

امید رحمانی

فرهنگ و هنر

در اولین روزهای هفته کتاب تارنمای رافکا که را هنمای فرهنگ کتاب و ادبیات است، آغاز به کار کرد و به عنوان اولین پایگاه اطلاع‌رسانی برای احترام به کپی‌رایت، دسترسی مخاطبان به کپی‌کردن مطالب بدون ذکر منبع را مسدود کرد تا مطالب تولیدی صرفا برای خواندن مورد استفاده قرار گیرد و از کپی‌کاری‌های معمول در فضای مجازی جلوگیری شود. در بخشی از تازه‌ترین یادداشت این تارنما به قلم علی حجتی، حافظه تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. معرفی رویدادهای فرهنگی و مشاهیر فرهنگی ایران و جهان ازجمله اقدامات و برنامه‌هایی است که این سامانه در دستور کار خود قرار داده است. به گزارش جام جم، پس از چند ماه فعالیت آزمایشی تارنمای «رافکا» (راهنمای فرهنگ، کتاب و ادبیات) از روز پنجشنبه ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۹۷ فعالیت رسمی خود را آغاز کرده است. تارنمای «رافکا» به معرفی و مرور کتاب‌های منتشرشده‌ای می‌پردازد که خواندنی، برجسته و دارای ارزش‌های ادبی باشد. کتاب‌هایی که در رافکا معرفی می‌شود لزوما در شمار آثاری نیست که بتازگی منتشر شده است، کتاب‌های مهم، مرجع و ماندگار حوزه‌های مختلف، کتاب‌هایی قدیمی که حتی شاید به آسانی نتوان به آنها دسترسی پیدا کرد، اما ارزش شناخته شدن دارد. در یك سخن، کتاب‌هایی که به واسطه نویسنده، موضوع، یا کیفیت محتوایشان شایسته توجه و تأمل بیشترند. در بخشی از تازه‌ترین یادداشت این تارنما به قلم علی حجتی، حافظه تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخشی از این یادداشت آمده؛ شاید این جمله‌ها را بسیار شنیده باشیم: «مردم ایران حافظه تاریخی خوبی ندارند»، «مردمی که حافظه تاریخی ندارند محکوم به تکرار تاریخ هستند» و مانند آن. آیا واقعا همین طور است؟ و اگر آری، علت آن چیست؟ آیا مشکل ساختاری در میان است یا ریشه در فرهنگ سیاسی و اجتماعی ما ایرانیان دارد؟ به نظر می‌رسد این‌که ایرانیان از حافظه تاریخی آن‌طور که لازم و شایسته است برخوردار نیستند علتی ساده داشته باشد. نخواندن و ننوشتن و در عوض عادت داشتن به شنیدن و گفتن. ما ایرانی‌ها در صحبت کردن، ایراد کردن خطابه، گپ زدن، اظهار نظر کردن در همه موضوعات؛ حتی موضوعاتی که هیچ تخصصی درباره آنها نداریم، بسیار ماهر هستیم. فقط کافی است یك هم‌صحبت خوب و کمی وقت آزاد بیابیم تا سر صحبت را باز کنیم و آخرین نظریات! خود را درباره اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تحولات جهانی، تغییرات آب و هوایی و... بیان کنیم یا قصه زندگی خود و ماجراهای پیرامون‌مان را با آب و تاب فراوان تعریف کنیم. اغلب شاهد این صحنه بوده‌ایم که در صف نانوایی، اتوبوس، مترو، مهمانی‌ها و جمع‌های خانوادگی، کلاس درس، محیط کار یا هر جای دیگر، بحث‌های داغ و جنجالی در موضوعات مختلف درمی‌گیرد و طرف‌های بحث چنان با حرارت از نظریات خود دفاع می‌کنند که گویی نظریه‌پردازی از نظریه‌ای که سال‌ها درباره آن مطالعه و تحقیق کرده دفاع می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۰

دبیر چهارمین دوره جشنواره ملی اسباب بازی از کمبودهای این حوزه گفت

دنیای نیمه‌جان اسباب بازی‌ها کمك می‌خواهد

فاطمه شهدوست

فرهنگ و هنر

اسباب بازی‌ها و دنیای رنگارنگ آنها جزو سازه‌هایی هستند که گذر هر کسی روزی به آنها می‌افتد، به همین دلیل این فضای جذاب همیشه حرفی برای گفتن داشته و دارد. اما در کنار میزان اهمیت این موضوع، کمتر در حوزه‌های مختلف از برنامه ریزی گرفته تا تولید، بودجه و تبلیغات به آن بها داده می‌شود، از همین رو صنعت اسباب بازی که هنوز حتی یك اتحادیه رسمی ندارد، با چالش‌های زیادی روبه‌روست. در این بین کانون پرورش فکری برای چهارمین بار اقدام به برگزاری جشنواره‌ای کرده که با عنوان جشنواره ملی اسباب بازی، محلی را برای تولیدکنندگان و علاقه‌مندان به آن از پژوهشگران تا کودکان فراهم کرده است. در همین راستا محسن حموله دبیر چهارمین جشنواره ملی اسباب بازی، گفت‌وگویی با جام جم داشت که در آن ابتدا سراغ تغییرات و رویکردی رفت که در این دوره از جشنواره وجود دارد، او می‌گوید: ما امسال نسبت به سه دوره گذشته رویکرد متفاوتی داریم، چراکه در این دوره تصدیگری از بخش دولتی را کمتر کردیم و کار را به سمت اهالی صنعت اسباب بازی سوق دادیم. مسیری که در آن افرادی که در این صنعت حضور دارند با شرکت در اتاق فکر و شورای سیاستگذاری هر چه بیشتر در این رویداد دخیل شدند. کسب مجوز انجمن تولیدکنندگان اسباب بازی، از دیگر اقداماتی بود که او از آن گفت و در ادامه با بیان تخصصی شدن جشنواره عنوان کرد: امسال سعی کردیم جشنواره را به سمتی ببریم که تخصصی‌تر شود چراکه دست‌اندرکاران این حوزه همیشه مایل بودند در برنامه‌ریزی جشنواره دخیل باشد، از این رو امسال نمایشگاه دستاوردهای صنعت اسباب بازی‌های ایرانی برگزار شد که در آن دوستان انجمن حضور دارند. البته باید یادآور شد که متولی جشنواره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. یکی از نکاتی که در این باره وجود دارد این است که در نمایشگاه تخصصی دستاوردهای صنعت اسباب بازی برای اولین بار به این صورت ۸۸ شرکت تولیدکننده اسباب بازی دور هم جمع شده‌اند و این گردهمایی را با بیشتر از ۱۳۰۰ اسباب بازی شکل داده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۰

پنجمین جشنواره موسیقی نواحی آینه دار حال و هوای تهران را عوض می‌کند

خنیاگران سالخورده در راه پایتخت

زینب مرتضایی فرد

فرهنگ و هنر

آنها باز هم آینه به دست از راه می‌رسند تا ما خودمان را، تصویر فرهنگ کشورمان را و جهان درونی آنها را که پر است از زندگی، سادگی و مهربانی در آینه‌ها تماشا کنیم و برای روزهایی دور از هیاهوی زندگی پرسرعت و شلوغمان به نواها و صداهایی تازه و طبیعی گوش بسپاریم. آنها آینه‌داران هستند، همان افرادی که در یك جشنواره موسیقی نواحی با نام «آینه‌دار» به همت علی مغازه‌ای و احسان رسول اف هر سال از یك گوشه ایران ساز به دست راهی پایتخت می‌شوند و می‌نوازند و می‌خوانند. آنها قرار است امسال ۹ تا ۱۳ آذر به تهران بیایند و در تالار رودکی به اجرای موسیقی و همچنین آیین‌های خاص منطقه‌شان بپردازند. روز گذشته نشست خبری این رویداد هم با حضور مغازه‌ای دبیر جشنواره و رسول اف رئیس جشنواره برگزار شد و جزئیات آن در رسانه‌ها منتشر شد. ما هم سراغ دبیر جشنواره رفتیم تا درباره این جشنواره و دلایل برگزاری آن صحبت کنیم و از جزئیات بیشتری هم درباره کم و کیف برگزاری آن جویا شویم.

چه شد تصمیم به برگزاری جشنواره موسیقی «آینه‌دار» گرفتید، آن هم در شرایطی که جشنواره‌های مختلفی در عرصه برگزار می‌شود و موسیقی نواحی هم در این میان سهمی دارد.

شاید بتوانم بگویم برگزاری این جشنواره مدیون استاد سمندری است. من مشغول کار روی موسیقی نواحی بودم و خیلی دوست داشتم ایشان را ببینم. در کل کشور هم فقط چند عکس و یك آلبوم صوتی از ایشان منتشر شده بود، سراغشان رفتم تا یك فیلم مستند درباره او و زندگی‌اش بسازیم. اما در همان آغاز راه استاد سمندری فوت کرد و ما او را از دست دادیم بی‌آن‌که توانسته باشیم از او و شیوه نوازندگی و موسیقی اش چیزی ثبت و ضبط کنیم. به این ترتیب ایده جشنواره در من شکل گرفت و دو سال به آن فکر می‌کردم. البته این موضوع را با آقای رسول اف هم که در کار ساخت مستند از زندگی هنرمندان موسیقی نواحی بود، مطرح کرده بودم. بعد هم که کار را شروع کردیم و جشنواره کم کم شکل گرفت و به دوره پنجم رسید. در واقع هدف ما از برگزاری این جشنواره ثبت و آرشیو فعالیت‌های هنرمندان موسیقی نواحی است، هنرمندانی که در حال از دست دادن آنها هستیم و از بسیاری‌شان اطلاعات و تصاویر چندانی نداریم. برنامه‌مان هم به این ترتیب است که سراغ سالخورده‌ترین نوازندگان و خوانندگان هر منطقه می‌رویم و آنها را برای اجرا و در کنارش ضبط و آرشیو به تهران می‌آوریم.

به نظر خودتان جشنواره به جایی که باید رسیده است؟

راستش از دوره دوم برگزاری دیدم به چیزی که می‌خواستیم رسیده‌ایم و این موضوع خیلی خوشحال کننده بود.

امسال سراغ بخش‌های شمالی ایران رفته‌اید و قرار است هنرمندانی از استان‌های گلستان، مازندران و گیلان به جشنواره بیایند. درباره این انتخاب هم توضیح دهید.

ما در برگزاری جشنواره سراغ استان‌ها نمی‌رویم و در واقع محدوده‌های جغرافیایی را که حوزه فرهنگی و موسیقایی مشترك دارند، انتخاب می‌کنیم. این سه استان هم به همین دلیل انتخاب شده‌اند. امسال موسیقی تالش تا دامنه مازندران، گلستان و علی‌آباد کتول را مورد توجه قرار داده‌ایم. البته شمال گلستان از بندرگز شروع می‌شود و تا آزادشهر ادامه پیدا می‌کند که این حوزه‌های دیگری را در برمی‌گیرد و ما آن بخش از شمال را به دوره بعدی اختصاص داده‌ایم.

جامعه موسیقی هنوز آن‌طور که باید موسیقی نواحی را جدی نگرفته است. به نظر شما این جشنواره می‌تواند امکان آشنایی و پیوند بیشتری را میان جامعه موسیقی و هنرمندان نواحی برقرار کند؟

اگر چنین اتفاقی رخ دهد، هنرمندان می‌توانند ایده‌های تازه‌ای را در این موسیقی‌ها پیدا کنند. قبل‌تر هم شاهد چنین اتفاقات خوبی بوده ایم، مثلا اگر استاد صبا روی موسیقی گیلان کار نمی‌کرد «زرد ملیجه» ساخته نمی‌شد. از این نمونه‌ها زیاد داریم و امیدوارم دانشجویان موسیقی به این موضوع توجه نشان دهند و از این فرصت بهره ببرند.

گفتید هدف اصلی‌تان ثبت و آرشیو بخش مهمی از حافظه موسیقی کشورمان بوده است. این آثار منتشر هم می‌شود؟

بله. قرار است منتشر شود. این اتفاق خیلی مهم است، اگر روزی دماوند ناپدید شود، هیچ کس باور نمی‌کند، اگر روزی برج آزادی ناپدید شود، برایمان قابل هضم نیست، اما در عرصه موسیقی نواحی می‌بینیم که قله‌های بزرگی ناپدید می‌شوند و هیچکس هم متعجب نمی‌شود، ما باید شیوه کار و موسیقی شان را جایی برای آینده ثبت کنیم، وقتی تمام ابزار چنین کارهایی را داریم، پس در برابر آیندگان مسؤولیم.

زکات فرهنگی یك مجموعه غیر دولتی

احسان رسول اف، رئیس پنجمین جشنواره موسیقی نواحی «آینه دار» در نشست خبری که روز گذشته برگزار شد، نکات جالبی را عنوان کرد. او گفت: هدف اصلی ما آرشیو، ثبت، ضبط و نگهداری میراث موسیقایی این کشور است که سال‌های گذشته به آن کم توجهی شده است. این یك پروژه غیرانتفاعی است که حین انجام کارهای دیگر مجموعه ما در قالب یك زکات فرهنگی برگزار می‌شود و فکر می‌کنم این یك وظیفه عمومی مجموعه ماست که خود را ملزم به انجام آن می‌دانیم. وظیفه ما در این چارچوب اصلا کار اقتصادی نیست بلکه رسالت ما آرشیو کردن آثار هنرمندان موسیقی اقوام ایران است که به شدت برای ما اهمیت دارد.

پنجمین جشنواره موسیقی نواحی «آینه دار» که طی روزهای ۹ تا ۱۳ آذر در تالار رودکی تهران برگزار می‌شود، تلاش دارد نمونه‌هایی از موسیقی و آیین‌های برآمده از فرهنگ، آداب و سنت‌های اقوام دامنه شمالی البرز، مردمان ساکن استان‌های گیلان، مازندران و بخش کوهپایه‌ای گلستان را بازتاب دهد.

به گفته او، فروش بلیت این جشنواره از ۳ آذر در سایت تیوال آغاز می‌شود و قیمت آن هم ۵۰ هزار تومان است اما برای دانشجویان نیم بها خواهد بود.

امروز چی داریم؟

تهران و جشنواره‌های جذاب

موسیقی نواحی از بخش‌های جذاب و همیشه دوست داشتنی موسیقی کشورمان است که البته همیشه هم مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته است. چند سالی است جشنواره موسیقی نواحی آیینه‌دار توسط یك موسسه خصوصی برگزار می‌شود و سالخورده‌ترین موسیقیدان‌های نواحی مختلف ایران را به تهران می‌کشاند تا هم مردم شاهد اجراهای جذاب آنها باشند و هم اجراها به‌عنوان بخشی مهم از فرهنگ ایرانی ضبط و آرشیو شوند. حالا دوباره این خنیاگران سالخورده راهی تهران شده‌اند و قرار است اواسط آذرماه در تالار رودکی موسیقی اجرا کنند و برخی نمایش‌های آیینی‌شان را همراه با موسیقی روی صحنه ببرند. زینب مرتضایی‌فرد، سراغ علی مغازه‌ای، دبیر جشنواره رفته و با او درباره پنجمین دوره آیینه‌دار گپ زده است. می‌توانید این گفت‌وگو را بخوانید و از همین حالا هم برای حضور در جشنواره برنامه‌ریزی کنید و نغمه‌های جذاب و پرانرژی موسیقی شمال ایران را از دست ندهید.

محسن حموله، دبیر چهارمین جشنواره اسباب بازی است که از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود. در صفحه ۱۰ امروز فاطمه شهدوست، خبرنگار جوان و پرانرژی گروه فرهنگی سراغ حموله رفته و با او درباره این جشنواره جذاب که بچه‌ها هم خیلی دوستش دارند، حرف زده تا ببیند در این رویداد جذاب چه چیزهایی رخ داده است.

کیفیت جشنواره چطور بوده و استقبال‌ها چه اتفاقاتی را برایش رقم زده است.

امیرمحمد اژدری را می‌شناسید؟ احتمالا این روزها نامش را شنیده اید، او عضو گروه‌های جهادی فعالی بود که به مناطق محروم کشور سرکشی و به مردم محروم کمك می‌کنند. این جوان ۲۵ ساله چند روز پیش در حالی که به سمت مناطق محروم جنوب کشور می‌رفت، در سانحه تصادف درگذشت و مراسم تشییع او هم برگزار شد.

محمد صادق علیزاده دبیر گروه فرهنگ و هنر سراغ دوستان و نزدیکان این جوان رفته و درباره روحیات و فعالیت‌هایش با آنها گفت‌وگو کرده است. می‌توانید این مطلب را در صفحه ۱۲ امروز بخوانید.

تا به حال به پاهایتان فکر کرده‌اید؟ دقیق نگاهشان کرده‌اید؟ پاهایی که همیشه برای رفتن و رسیدن با ما بوده‌اند. این روزها نمایشگاه عکس گروهی «پا در قاب گرفتن» در گالری تم در حال برگزاری است و به همین موضوع پا پرداخته است.

در صفحه ۱۱ امروز، خبرنگاران خوش ذوق گروه فرهنگی رفته‌اند سراغ این نمایشگاه و البته چند محصول فرهنگی دیگر را هم که تشابهاتی با موضوع این نمایشگاه دارد، کنار هم جمع کرده‌اند و مفصل برایتان نوشته‌اند. این گزارش را از دست ندهید.